

چگونه آنگلوساکسونها از آلمانها جاسوسی میکنند

<http://www.fondsk.ru/news/2013/06/29/kak-anglosaksy-shpionjat-za-nemcami-21314.html>

۱۴ تیر - سرطان ۱۳۹۲

آلمان در مرکز جنجال ناشی از نظارت بر فعالیت شهروندان کشورهای خارجی در اینترنت از سوی سازمانهای جاسوسی عمده آمریکا و انگلیس قرار گرفت. از اولین گزارشات روزنامه ها در رابطه با این رسوائی میشد فهمید، که از میان همه اروپائی ها، بیش از همه آلمانیها توجه سازمان سیا و همتای آن، مرکز ارتباطات دولت انگلیس^(۱) را بخود جلب کرده است. روزنامه گاردین لندن نقشه جالب توجهی را چاپ کرده که در آن شدت نظارت آنگلوساکسونها بر آلمانیها بیش از هر کشور دیگر اروپا، باضافه روسیه، را نشان میدهد (سمت راست بالای نقشه شاخص شدت نظارت با رنگ سبز تیره تا سرخ)^(۲).

در اینجا هیچ چیز حیرت انگیزی وجود ندارد. در یک دوره بیش از ۴۰ ساله پس از پایان جنگ جهانی دوم، جمهوری فدرال آلمان در خط مقدم جنگ سرد آمریکا علیه اتحاد شوروی و کشورهای «بلوک شرق» قرار داشت. افزون بر آن، «برادر بزرگتر» لزوما بر خود آلمانیها هم نظارت میکرد. همیشه دلایلی برای این کار یافت میشد: ابتدا نازی زدائی و سپس، تردید ایدئولوژیک نسبت به توافقنامه های بازرگانی جمهوری فدرال آلمان با اتحاد شوروی.

اعمال نظارت کار چندان دشواری نبود: تأسیسات مخفی آمریکا، که در آنها تدابیر تجسوسی برعلیه آن سوی «پرده آهنی» آماده و اجرا میشدند، در آلمان غربی مستقر بودند. سراسر خاک آلمان نیز تحت نظر همان تأسیسات مخفی قرار داشت. مثلا، در اواخر سالهای ۱۹۸۰ میلادی، سازمانهای جاسوسی آمریکا جنجالی براه انداختند که موجب تخریب کارخانه مواد شیمیائی «ایمهاوسن شیمی»^(۳) احداث شده در سال ۱۹۱۲ گردید. در آن هنگام، روزنامه نگاران آلمانی جرأت کردند، در مورد روشهای کسب اطلاعات محرمانه تجاری سؤالات ناراحت کننده ای را مطرح سازند، اما این پرسشها در سیل اتهامات علیه کارخانه، که برای احداث کارخانه مواد شیمیائی با لیبی قرارداد بسته بود، غرق شدند. طی عملیات «دره الدورادو» (سرزمین زرخیز. م.) که چندی پیش خاتمه یافت، اعمال تحریمها علیه لیبی تدارک دیده شد- «اسناد محرمانه» راجع به احداث کارخانه پیش بینی شده بمنظور ساخت تسلیحات شیمیائی، اتفاقا برای عنوان کردن اتهامات علیه معمر قذافی بسیار مؤثر واقع شدند.

البته، کشور آلمان یک عضو کلیدی ناتو در قاره اروپا بوده و همچنان خواهد بود، و «همبستگی با آنسوی اقیانوس اطلس» نه فقط همواره مورد تأکید ساده برلین بوده، بلکه، اصل اساسی سیاست خارجی آلمان فدرال را نیز تشکیل میدهد. با این حال، آلمان تا قبل از وحدت، بعنوان غول اقتصادی و کوتوله سیاسی در جهان مشهور بود. چنین مقدر شده بود؛ در طول چندین دهه آلمانیها به این واقعیت عادت کرده بودند که آنها باید در داخل به کار تولیدی مشغول شوند و در سیاست جهانی، بدون تلاش برای طرح ابتکار، در «خط آتش» حرکت نمایند. اگر ویلی برانت بدون موافقت واشنگتن حتی یک قدم برمیداشت، هرگز نمیتوانست در قبال سیاست شرقی خود برنده جایزه صلح نوبل بشود. اما اکنون، پس از گذشت سالها، در آلمات متحد، دعوی اعمال سیاست مستقل قوت میگیرد، که البته خود این مدعا نیز متحد و رای اقیانوسی آن را تحریک میکند. اگر امروز نظریه سیاست خارجی آمریکا بر این پایه استوار است که سرنوشت نبردهای آتی بین المللی در صحنه تئاتر آسیا- اقیانوس آرام رقم خواهد خورد، چنین مستفاد نمیشود، که زمان خروج آمریکائیهها از اروپا فرارسیده است. اتفاقا، برعکس، پشت جبهه ها باید قوی و قابل اعتماد باشند.

اطلاعات مربوط به برنامه های پررزم^(۴) و تمپورا^(۵) آرایش واقعی نیروهای داخل پیمان آنلانتیک شمالی را روشن کرد. رسانه های غربی سعی میکنند توجه خود را روی ترکیب کشورهای انگلیس، کانادا، زلاندنو و استرالیا که ایالات متحده آمریکا آنها را به شبکه جهانی «پنج چشم» (Five Eyes) وصل نموده، متمرکز کنند. زیرا همه این کشورها جزو گروه کشورهای آنگلو ساکسون هستند. آلمانها از اینکه تحت نظارت بوده اند، بشدت تعجب کردند... چرا که متحدانشان، در اروپا بیش از هر کس دیگری آنها را بدقت کنترل می کنند! بنظر میرسد، چنین فرومایگی را از روسها و چینی های بدکردار انتظار داشتند؛ اداره فدرال حمایت از قانون اساسی سال به سال نسبت به تهدیدات ناشی از جاسوسی صنعتی به آنها هشدار میدهد. تناوب رسوایی های جاسوسی، جامعه آلمان را در تنگنا قرار داده است. اما چرا آمریکا، انگلیس به فعالیتهای جاسوسی از دوستان آلمانی خود دست زدند؟ افسوس! دوستی با آلمان، «دایره درونی» متحدان آنگلو ساکسونی، البته، ارزش دارد، ولی جاسوسی از دوست آلمانی بیمورد نیست.

واکنش طبیعی در مقابل این رسوایی موجهی از احساسات ضد آمریکائی را در آلمان برانگیخت. چند نقل قول از انجمن انترنتی متنفا فرانکفورتر آگماینه ذکر می کنیم: «کثافت در آمریکا بقدری زیاد است که بوی تعفن آن تا اروپا میرسد. رسوایی ها،

جنگهای ناعادلانه، جنایات جنگی، تکبر نسبت به شرکای تجاری - همه و همه، نشانه هائی از دیکتاتوری جهانی هستند...^(۶) ما به گرداب شر کشانده شده ایم»^(۷). «آمریکائیهها کما فی السابق مانند کابویها رفتار میکنند». زمزمه های متوقف کردن مذاکرات مربوط به تأسیس «ناتوی اقتصادی» - منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا که اخیراً شروع شده، بگوش میرسد.

و اینکه بر آلمانیهای نجیب، بر مردمی که صداقت خود را ثابت کرده اند، بیش از هر کس دیگری در اروپا نظارت میکنند، برای آلمانها بویژه دردناک است. کارشناس مسائل سیاست داخلی حزب سوسیال - دمکرات آلمان، **م. هارتمن، مراتب** انزجار خود را با این گفته بیان میکند: «کنترل جمعی آلمانها را به هیچوجه نمیتوان توجیه کرد». براستی؟ ولی از نقطه نظر هژمونی طلبی آمریکا، آلمان چیزی برای عیبجویی کردن دارد. در ژانویه سال ۲۰۰۳، هنگامی که هشت تن از سران کشورها و دولتها بیانیه مشترک وفاداری به آمریکا صادر کردند، آلمانها کجا بودند؟ «نامه هشت تنه» در حمایت از حمله آمریکا به عراق را سران انگلیس، ایتالیا، پرتغال، دانمارک، لهستان، چک و مجارستان امضاء کردند. پس چه کسی جرأت کرد در ماه مارس سال ۲۰۱۱ از رأی دادن به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره اعلام منطقه پرواز ممنوع در لیبی خودداری کند؟ از میان کشورهای غربی این فقط آلمان، و پس از آن، گیدو وستروله بود که مسئول تصمیم خطرناک (بگفته وزیر امور خارجه سابق، یوشکا فیشر، «رسوائی ملی») شناخته شد و برلین نیز حتی حاضر نشد او را از مقام وزارت امور خارجی عزل نماید. البته این هم ناگفته نماند که برخلاف سنت، این پست را به وزیر اقتصاد سپردند و او را از پست معاونت صدر اعظمی برکنار کردند. در هر حال، این سؤال هنوز بی جواب مانده است، که استاندارد دوگانه تا چقدر در افکار عمومی اروپائی ها رسوخ کرده است. یعنی، هنگامی که مثلاً، اعمال نظارت بر چین (در دانشگاه شین هووا در پکن، در دانشگاه چینی هنگ کنگ) صورت میگیرد، یک امر عادی، ولی در اروپا، نقض حقوق مدنی شناخته میشود.

در نهایت، ابعاد نظارت سازمانهای جاسوسی به مشخصات شخصی در آلمان همه را سردرگم ساخت. روزانه ۶۰۰ میلیون تماس تلفنی، مکاتبات الکترونیکی، محتوای صفحات شخصی در فیسبوک ضبط و بمدت ۳۰ روز نگهدای میشود. ادوارد سنودن در مصاحبه با روزنامه گاردین اظهار داشت: «حتی اگر شما هیچ کار بدی هم نکنید، ارتباطات شما را کنترل و ثبت میکنند». بیست سال پس از وحدت دو آلمان، هنوز هم آلمانیها وزارت امنیت ملی جمهوری دمکراتیک آلمان سابق را رایج ترین نمونه دیکتاتوری می‌شمارند. به همین سبب میخوانیم:

«سلام از اشتازی»، «بیائید مأموران سابق اشتازی را جلب کنیم»^(۸)، «آمریکا سنودن را متهم میکند. بگذار خودش را بعلت نقض آزادیهای ابتدائی در عرصه آزادیهای خصوصی و دفاع از آزادیها متهم سازد. اگر قبول کنیم که سازمان اشتازی با نقض حریم خصوصی، نامه های شخصی را باز میکرد. سازمان سیا نیز همین کار را با مشخصات شخصی و نامه های الکترونیکی انجام میدهد. اگر جمهوری دموکراتیک آلمان دیکتاتوری بود، پس آمریکا چیست»^(۹). در شبکه های اجتماعی آلمان سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس را نه با اشتازی، بلکه با گشتاپو برابر میدانند. «اگر کارها همچنان ادامه یابد، گشتاپو در مقایسه با آنها گروه گر پسران بنظر خواهد رسید. با این وصف، هم «آلمانی های خوب» و هم «آریائی ها» سالها باور داشتند که هیچ اتفاق بدی آنها را تهدید نمیکند. پس، امید کودکان آنها و یا آریائی های خوب چه شد»؟

واقعا، برخلاف گذشته، بکمک تکنولوژی معاصر میتوان همه شهروندان، حتی انسانهای قابل اعتماد را هم زیر نظر گرفت. کانال تلویزیونی NDR آلمان و روزنامه زود دویچه تسایتونگ بطور واضح و آشکار به مخاطبان خود توضیح دادند که: کابلی بنام TAT_14 وجود دارد که بکمک آن سیل مبادله اطلاعات بین آلمان و آمریکا جریان مییابد. کابل از عمق اقیانوس اطلس از طریق جزایر انگلیس میگذرد، و برنامه تنظیمی انگلیس با عنوان تمپورا در عرض یک سال و نیم مشخصات شخصی را از این کابل جمع میکرد. ایده خوبی هست. اگر طرف اخلاقی مسئله را کنار بگذاریم، فقط حل مشکل پردازش حجم عظیم اطلاعات باقی میماند- زیرا، حجم آن ۱۹۲ برابر بیشتر از حجم همه اطلاعات جمع آوری شده در کتابخانه ملی انگلیس میباشد.

برنامه تمپورا در مقابل کلمات کلیدی، که کار گذراندن این همه اطلاعات از صافی بواسطه آنها انجام میشود، واکنش نشان میدهد. تجربه سازمانهای اطلاعاتی آلمان ثابت میکند، که ان روش چندان کارساز نیست. در سال ۲۰۱۱ در حدود ۳ میلیون پیام کوتاه به ظن دست داشتن در تروریسم، تجارت غیرقانونی اسلحه و انسان مورد بررسی قرار گرفت، ولی فقط ۲۹۰ مورد آن توجه سازمانهای ضدجاسوسی را بخود جلب کرد.

موضع رسمی دولت آلمان فدرال عبارت از آن است، که مبارزه با تروریسم نمیتواند تحت نظر گرفتن همه را توجیه کند. اگر بخواهیم بر اساس نظرات اعلام شده در شبکه های اجتماعی قضاوت کنیم، افکار عمومی نیز چنین میگوید. در عین حال، انسانهایی هم هستند، که تصور میکنند، که نظارت بر عموم نسبت به آسیبهای وارده بر حق

مصونیت زندگی شخصی سودمندتر است. بنظر میرسد، سازمانهای اطلاعاتی آلمان نیز درست این قاعده را راهنمای عمل خود برای ادامه حرکت خود قرار خواهند داد. در هر صورت، خبرهایی در این باره به رسانه ها درز کرد، که بمنظور دفع خطرات تروریسم در سازمان امنیت فدرال آلمان شعبه جدیدی تأسیس گردیده، که به کار نظارت بر اینترنت مشغول است. طبق موازین موجود، شعبه مذکور حق دارد بمنظور دفع خطر تروریسم، ۲۰ درصد اطلاعات مخابراتی را که بین کاربران آلمانی و گزارشگران خود در دیگر کشورهای جهان مبادله میشود، جمع آوری نماید. برخی سیاستمداران پیشنهاد میکنند که طرح قانونی تشدید کنترل بر فضای اینترنت مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. وزیر کشور ایالت ساکسونی، **ه. اشتالکنهت** (حزب دمکرات مسیحی) «لایحه قانونی موازین جدید درخواست مشخصات اطلاعات راه دور» را برای بررسی به دولت محلی ارائه کرده، که بر اساس آن شرکتهای موظفند اطلاعات مربوط به شماره شناسائی شخصی، آدرس و کلمه عبور کاربران اینترنتی را در اختیار پلیس و اداره دفاع از قانون اساسی قرار دهند. خواننده روزنامه محلی **میتل دویچه تسایتونگ** بشکل مختصر بیان میکند: «حالا که آمریکا و انگلیس به این کار دست زده اند، لازم است ما نیز قانونی تصویب کنیم که نظارت به شکل قانونی انجام گیرد^(۱۰). به «سال ۱۹۸۴» خوش آمدید! چنین است فریاد آغشته به طنز تلخ در انجمن روزنامه آلمان شرقی.

زیرنویسها

توجه: توضیحات ردیفهای یک، سه، چهار، پنج و شش از مترجم و بقیه از خود نویسنده است.

(1)- Government Communications Headquarters

(2)- <http://www.guardian.co.uk/world/2013/jun/08/nsa-boundless-informant-global-datamining#zoomed-picture>

(3)- Imhausen-chimie

(۴)- **پریزم (PRISM)** - برنامه دولتی آمریکا، طبقه بندی شده بمثابه برنامه فوق سری، تدوین شده توسط سازمان امنیت ملی در سال ۲۰۰۷ بعنوان جایگزین برنامه زیر نظر گرفتن تروریست. جامعه در سال ۲۰۱۳، زمانیکه بریده هائی از برنامه در روزنامه های «واشنگتن پست» و «گاردین» منتشر گردید، از وجود چنین برنامه ای اطلاع یافت (نقل از: ویکی پدیا).

(۵)- **تمپورا (Tempora)** - اصطلاحاً بمفهوم «زالوی الکترونیکی» نصب شده در روی کابل فیبر نوری است که بنا به نوشته گاردین، مرکز ارتباطات دولتی انگلیس به کابلهای فیبر نوری اقیانوس اطلس وصل کرده و پس از آن، انواع ارتباطات الکترونیکی شامل: تماسهای تلفنی، پستهای الکترونیکی، گفتگوها در اسکایپ و پیامهای مندرج در شبکه های اجتماعی را زیر نظر گرفت (نقل از: ویکی پدیا).

(۶) - پس از رسوایی جاسوسی امپریالیستهای آمریکا و انگلیس، و همه جرایم و جنایاتی که امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا در گوشه- گوشه جهان تاریخا و بطور روزمره مرتکب شده و میشوند و حقا روی فاشیستهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و اسپانیای قرن بیستم را سفید کرده اند، اینجانب بسیار علامندم بدانم که بعد از همه اینها، حرف و حساب پیروان و مبلغان دمکراسی بورژوائی- امپریالیستی، بخصوص، آنهایی که تخریب عدالت اجتماعی را برآمد و عروج «دمکراسی» تعریف میکردند، چیست؟ آیا حداقل از این به بعد نیز خواهند توانست سرشان را بالا گرفته و سینه را شان جلو بدهند و در باب لعن و نفرین عدالت اجتماعی داد سخن بدهند و یا کار، مسکن، طب و بهداشت، آموزش و تحصیل رایگان برای همه آحاد جامعه را مغایر اصول اساسی حقوق بشر بخوانند و رشد و توسعه علمی، صنعتی، تولیدی، فرهنگی و اجتماعی کشور را کاری عبث بپندارند! البته، من بسیار بعید میدانم که این جماعت شرم و حیا سرشان بشود. زیرا، اینها «بازاری» هستند و در نزد آنها هیچ چیز دیگری غیر از «سود» مقدس نیست.

(7)-<http://www.faz.net/aktuell/politik/ausland/amerika/asyl-fuer-snowden-ecuador-weist-sanktionsdrohungen-zurueck-12261255.html>

(8)-<http://www.mz-web.de/mitteldeutschland/datenschutz-mehr-rechte-fuer-den-geheimdienst-20641266,23493340.html>

(9)-<http://www.faz.net/aktuell/politik/ausland/tempora-berlin-nimmt-bericht-ueber-abhoerprogramm-sehr-ernst-12240215.html>

(10)-<http://www.mz-web.de/mitteldeutschland/datenschutz-mehr-rechte-fuer-den-geheimdienst-20641266,23493340.html>